

مردم

ادگان مرکزی فزونی تو در ایران

باز لایحه نفت مطرح میشود

کرده - و نمایندگان هم هر یک در این زمینه نظرهای ابراز داشته - هنوز بطور قطع معلوم نیست که لایحه جدید ، چنان همان لایحه قدیمی خواهد بود یا در آن تجدید نظرهای منظم آمده است - ولی آنچه مسلم است ، عنوان بدین آراست و عوامل داخلی نفت در این روزهای اخیر گمانگشای کردن خود ملت ایران منقول کار شده اند - خبر هفت گشته رو به پیش ، نشان میدهد که حرکت نفت در این پیش منقول فعالیت بوده است و هر قدر که از طرف ملت ما که ایران مثل آنچه چیزی جز انجام مقاصد شرکت نخواهد بود و دولت هم در این ممانه دولت عالی ممانه ، انگریز تقدیم لایحه جدید ، استیضای خود مستشاران میماند ولی همه میدانند که برافروختن عاقدان و تصور و نظرات آنان ، و حقوق ملت و آنها و آنها و همه ایستاد است برای استراحت در میانه ، دوری حقوق و ارتقاء اوضاع صحیح

فرزاد گویا نفت ، در دوران جنگناوری سیاه رضا خان ، استیضای

مطرح گشته ، پس از مدتی سکوت یکبار دیگر موضوع نفت در دستور امور جاری کشور قرار گرفت - نخست وزیر در جلسه ای که بهین منظور تشکیل داده بود لایحه خود را بر تخته سیاه با هفت سخن گفت و نظر نمایندگان را جویا

جعل و دروغ پر دازی

لکه اتهام را از ایشان قاتلین و آدم کشان پاک نخواهد کرد

مطرح است که پس از تحریکات یکی دو سال اخیر و مخصوصا مذاکره و استیضای که اخیرا ضمن اعلامیه کتبی در کوی حزب ما فاش شده همه کسی که ممانعت آدمکشان متفلسف و کن دوم ستاد ارتش و غلظت های چاپکارانه روز آرا می برده و پیش از پیش در مقدمه میباید خود که حزب خود را

روز دوشنبه هفت گشته دستگام سحر - و متضخ شهریارانی کشور ، کینه سیاه دیگری بر اسناد و روشنگری و اخبار اعتباری خود و بهجت ما که فاسد ایران ایران افروز - به از آنکه خایلی مربوط به ترور و هفتان ترور افکار عمومی مثل آفتاب روشن شده بود و مخصوصا پس از صدور اعلامیه مسئول و مسووم حزب نوده ایران که فستی از آن در مجلس نیز فراتر شده و ملت ایران را از صبح زود بدعا ، توخته هوا و جانپایای دستگام متور و کن دوم ستاد ارتش در مورد ترورهای اخیر و مخصوص ترور وطنان آگاه ساخت - اشاره رئیس شهریارانی اعلان کرد که نتیجه «اطلاعات» و «تطبیقات» خود را روز دوشنبه شن مناسباتی با اطلاع مدیران جرایم خواهد رسانید

راز از پرده بیرون افتاده

ستاد ارتش دیگر نمیتواند بر دماغ آرمیزی برود قتل احمد دهقان بگند

در طرف چپ سه روز اخیر شهر و وادار کرده اند افرادی تازی بگندگی با افرادی لیلی او در حضور بازرس بگلی مطولت است

حزبی برافروختن اخبار خود را بطور اظهار کرده که از استیضای خود بلغ و کن ۲ ستاد ارتش و علیه حزب نوده خود را

برودت سگری در این روزهای اخیر براتی دعالت شده مقامات ارتش صورت دیگری خود گرفته است - در آسمان بازرس ، حسن سگری نشانیا را بهین صورتی که در اعلامیه حزب نوده ایران تشکیل آمده در حضور بازرس اعتراف میکند - خروج خود را از حزب نوده ایران ، و استیضای خود را به کن دوم ستاد ارتش ، ملاقات خود را با بودار افغانی در خموش ، با سر تیب گیلاندا ، و سرگرد قتیبه در تهران ، گرفتن دستور برای ترور سر لشکر امدادی مه را در پاسخ متولات بازرس تنظیم شرح میدهد - شناسا چون برنامه حیات خود دیگر امید نداشت نامهای بیله خواندنیها میبویسه و در آن یکبار دیگر برده از روی کلی نشانیا بر میبازد -

رئیس شهریارانی بیسی از بی باکی و استیضای که بنام «اطلاعات» و «تطبیقات» میباید استیضای داشت که اولی نشانیه گلن جرایمی را که حسن میبویسکن است کتبی کوی پیشتری نشان دهنه و کاش متواتر دوغ بردار میباید ادرا میبویسه دعوت نگردد - نایا بیبویسه اجازه ندارد که هیچیک از نمایندگان جرایم بگند موبلر استیضالات او افلا سزالی بگند و توضیحاتی خواهد بی در حقیقت مناسباتی در میان نبود و فقط رئیس شهریارانی ادواتی را که از دور میباید متضخ و شرم آور سیاه شده بود بین نمایندگان جرایم توزیع کرد -

دانشجویان دانشگاه

تحملات ناروا را نمیذیرند

دستگاه سکه میخره و بی کفایت ما این روزها در حقیقت بیله و حیات فرقه میخورد - سالیهای شادی است که به نظر صالح بلیه خود ملت و وسین مارا حرم نداشتن قرار داده - بروز سیه شایعه و متور هم دست بردار نیست موج ناراضی از مردم سوخته است و هر لسته حیات این دستگامرا نهد میبویسه تنها بدوی متفککن که باستانی ملت ایران دور بر ایران استاده و با آن دورتره نظری است حزب نوده ایران است که حیوانی این دستگام نیست حزب ما از حیوان جا برشته میگیرد ، طرف میبازد - ناجوانرا نه آن در زمین کیم حیوانی است - پیبویزه نانی واک بگندگی تکی خود ایلیام میبویسه خوب میبویسه مرچا تروری صورت میبویسه نام حزب نود در ا بیان میبویسه ، هر موع افغانی

کویا تولید بیله خواهند بی - ایتلا با این نام باشد و آزاد شدن آن دال بر این است که نامه سگری به مدیر خواهند بیاریه شده است - پس از آنکه بر اثر این اعتراضات سرچ و اندامات بازرس ، موهبت متولد ارتش بار یک میبویسه نوروا اصل فشار اعلام میبویسه ، مملعاتی چیده میبویسه ، دستپای بکار می اند تا برود و با بدبویزه مقامات ارتش تیر شده - بین منظور علیانی صورت میبویسه که شای از آن برادر زار است -

۱- ادواتی که ساری نعتین و بهترین اعتراضات حسن سگری برده از برودت دویبیه شده است -

۲- با بده و تطبیح و وضو و عید

فراین دوغ نام چنچ ادها شده است که حسن سگری به از آنکه به استخدام جاسوسی ستاد ارتش درآمد کویا برای آنکه میبویسه مورد استیضای حزب نوده ایران قرار گیرد ایستاد فرد بی نامی از شبکه حرمی آلمان مبادرت یافت تهران و ایتلا با دود فر فرد بی نام دیگر و شرکت در قتل روز آرا ، دکتر سمین ، زامعی واسه دهقان نوده است -

فر مورد این ایتلا متضخ و برنده حزب نوده ایران ، در این بار روزنامه ما وظیفه خود را در بیان خایلی بسیار آسان میبویسه زیرا بحرمی

کابریان، متحان پیشروین، دشمنان
 علیه ارتجاع شمرند
 با مرکز استبداد کوش ایران
 نجاتبخانگی

خوشحانه سیرک
 و بی لایتن دستگا و
 وجود اختلاف و تضاد در
 داخل آن موجب میشود که
 تمام صفت سازها با نهایت
 تأثیرگرایی در کار میگرد
 و سرانجام به وساطت و
 بی آبروی خود دستگا
 پایان بیابد

دانشجویان دانشگاه

استاد تحریک و ترور محراب توده
 ایران از کثرت تکرارها و اغراقهای
 انقلاب گشوده که مردود گردیده است
 منکرانه و جویش گونه کتان آن پخته
 چنانچه در باره قتل احمد مغان گفته
 نوشته: «این بار هم فرقه بنام حزب
 توده فرامد»

تقریری وینس دانشگاه تسلیم میشود و
 فاشستگان دانشجویان را حرم اسحاق
 حن و نوری و دانشجویان محرومیت دانش
 که من مبارزه برای گرفتن حقوق در این
 جوانان خط میسازد
 اسان مورد طرد و محرومیت منگی
 دست حاصل زور میزند که خود را در
 برابر محرومیت و ستان و بیست دانشگاه
 در برابر دانشجویان مجید حاضر را دارد
 آنچه به تقاضای منطبق تر اوست، مدعی
 دانشجویی بر فکری برای انقضای تحریر
 سلسله مراتب دست کار از دانشگاه بخواند
 که به سازمان عالی وزارت بهادر قرار
 برای کار و زور و دسترس آسان قرار دهد
 چه تقاضای صحیح کار از دانشجویان
 اردو است که به برنده جان و برای
 تأسیس بنای عالی جدید و تکلیف و مسائل
 کار به اختیار دانشگواران مکتوب
 در مقابل مجلس ازان تا قاعده بنای مکتوب
 آنها را برسد از جمله: ۱- آسانگری
 بین دانشگاران که مورد محرومیت محاس
 و دولت قرار گرفته اند و بعضی اصحاب دانشگاه
 و مشاغل است تا به حد معادل دانشجویان
 و دیگر از دانشگاران ابراج گردد
 آسانگری در مورد حقوق و حقوق و رفاه
 پانویس و رفاه که معادل دانشجویان
 از جهت آبرو و حق مشروع خویش
 برابر سایر جوانان و انبوه ستان
 و محال در این امر باید گمان
 اصحاب دانشجویان که سنگی است که
 بر این صفت برداشته دانشگاه میباشد
 منطبق به عقاید تنگ مناسباتی این
 در تاریخ دانشگاران است که گردیده است
 اما دانشگاه باید بدانند که
 دانشجویان مانند سایر همکاران
 دیگر حاضر نیستند و باید
 شرطه کلیه منتهی حالی باشد
 بی تفاوتی و بی غیره شوند و تحصیلات
 آنها را پذیرند. دانشجویان
 خواهند بود و باید حاکم بر سر وقت
 خویش باشند. هیچ بیرونی حق
 ندارد که آنها را از آزادی بازدارد
 در راه تحصیل حقوق خط خویش
 باز ندارد.

جمل و دروغ پردازی

توده ایران در بارهٔ میچک از دشمنان خود
 میچک را ترور نمیشود و میچک را ترور
 کرده است.
 اطلاعات فرخ وینس شهرتانی که
 ظاهراً مسافرت با ورنشکست کرد
 جانکای هله، منظرش را به نظر
 سان ساخته، با اندازه‌های جانکایی و
 ناخوابه است که ما ایشان را در میمان
 اسلحه‌ها، برین و گراملاخ ترین افراد برای
 آن جز برونه مسافر و آمرتو خواهد بود
 طبق اطلاع و خبر که در دست است این
 و اعراض نام و ساختگی در ساعت
 اداری است و مطابق جواب سؤال باز
 برین و بلکه در فراموش اداری بوسیده
 از آن گمان شهرتانی و جانسوان ستاد
 ارتش و در نتیجه فشار حسن شهری دیگر
 شده است. برونه جبری شاری بکن
 سلسله اعتراضات خیلی بوده است که
 حسن آن مسئولیت رزم آرا در کن دوم
 ستاد ارتش که وی مستقیم آن بوده
 خوبی واضح میشد ولی در این چشم و زور
 تمام گوش دانشگاه شهرتانی که صورت
 شهرتانی از کن دوم ستاد ارتش فراموش
 در اطراف این صورت دور میزدند است
 که به در زمین افراغ اعتراضات خیلی
 ۱- برونه ادامه دهنده همه مسئولیت
 برین در اعتراضات و بیچاره‌های امسال جنگی
 که به فراموش اداری موجب شهرتانی
 و ستاد ارتش دیگر است و اسلحه‌ها و اسلحه
 این خط با زبانی رسوا و مبالغه
 که خط برای پرفاشین خائن و توطئه
 های جانکایران ستاد ارتش و وینس
 آن بفرود است، این لعل و الحاصلات
 مسئول که در روز و قتل مسلح آمده است
 در جوق قاتل، ترور و در عوگور و رسوا
 خود دستگا، سا که این نشان میدهد
 محرمی استبدان و ازم که افکار
 محرمی ایران سخنان مستدل و منطقی
 ما اعتبار و اختلاف دارد ولی کوچکترین
 ارضی به دو طرفی و قیافت و سخنان ما
 و دشمنان ملت ایران یکبارده. اطلاعات
 وینس شهرتانی قادر بر نشان سخنان نیست.
 جمل و دروغ نمیشود که
 اتهام را از ایشان فالتین و آدم
 کتان و کن دوم ستاد ارتش و
 اربابان امیربالیست خارجی آنها
 پاک کند.
 همین اطلاعات وینس شهرتانی
 نتواند کوچکترین عباری در برابر
 و در نشان حزب برود که ملت ایران
 حزب ترور و ایران اجداد نباید
 همه کس میدانند که حزب
 مبارز ویر انقلابی است و از این
 بدین باث و مری است.

راز از پرده بیرون افتاده

ایران نام و پیشانی کرده و بسیاری
 بازگفت حزب، در آردان هرزانه نامی
 مراد میگفت غرمان هم برای آزماش
 و اداری از حزب و میخواست که
 و همان را ترور کند
 ۳- کار آگاهی و ستاد ارتش مرد
 در معر جمل مدار که صحنه که ساین
 قتل چینه سیاسی بدمنه و قاتل را ترور
 شد از جانب حزب توده قتل شد.
 چنانچه خواننده کن ملاحظه میکند
 در برونه ستاد که در دست تنظیم است
 گوش می شود ترور و همان را بکرم
 حزب توده میاندازند تا هم برهم خود
 افکار محرمی را علیه حزب شورانند
 هم برونه امروا بنامیت اینکه با حزب
 توده ارتباط پیدا میکند. در ملاجیت
 دادگستری نظامی در آورند و مسامح
 شوند که اقدامات دادگستری منجر به
 کشف شایع کرده. اما این بار راز از
 پرده بیرون افتاده و دیگر نمیتوان سلیق
 را با پرده اسرار آمیزی پوشانید. احاله

باز لایحه وقت

که رده و غیره یک وظیفه دارم و آن
 وظیفه ما در دست است
 نشانرا با هم میفرستد و خود
 را برای موافق با اقدامات گوناگون
 مزدوران وقت آماده کرده و بیگانه‌سازی
 است مطرح شد هر چه باید در این
 وقایع تزلزل بود. مسکوت نظمی
 ترور، گروه‌ها، حبس و زند و دستورات
 دیگر، از این منشا و مصلحت است
 مرتبه از این مصلحت، شود آبی است
 برای ملت ما حزب توده ایران در این
 وقت و مکتب و وظیفه ستاد با هم میفرستد
 انجام خواهد داد.
 استیضای کامل حقوق ملت ایران در
 مورد سایر جنبه‌ها و در پیشرویت
 قابل صورت است و آن وقتی است که
 ملت ما حاکم مردمخت خویش باشد
 پس ملت ملت هم منوط به پیروی
 حزب ما، پس ملت ایران است